قریه

جناب حاجی محمّد علی علیه بهآء اللّه

۱۴ رجب سنهٴ ۱۳۰۳

بسم ربّنا الأقدس الأعظم العلیّ الأبهی

حمد و ثنا و ذکر و بها صفدران مضمار معانی و بیانرا لایق و سزا که ضوضاء مشرکین و غوغاء منکرین و نعاق رجال و زماجیر ابطال ایشانرا از نور مآل منع ننمود باستقامت تمام بر امر اللّه قائم و راسخند ایشانند مطالع نصرت و بیان و مشارق قدرت و عرفان شنیدند و لبّیک گفتند دیدند و به لک الحمد یا اله العالم ناطق گشتند حجبات عالم ایشانرا منع ننمود و از افق اعلی محروم نساخت کتب الهی از قبل و بعد بذکرشان ناطق و بثنائشان ذاکر

 سبحانک یا ربّ البیت و مشیّد ارکانه و منوّر جدرانه و مبیّن آثاره و مظهر اثماره اسألک بحفیف سدرة المنتهی و انوار وجهک من الأفق الأعلی و خزائن اسرارک فی اسمک المقدّس عن الأسمآء بأن تؤیّد اولیائک علی الاستقامة علی امرک و القیام علی خدمتک ای ربّ ایّدهم بقدرتک و قوّتک و سلطانک ثمّ عزّزهم برحمتک و رأفتک و مواهبک انت الّذی خضعت الآیات لآیاتک و الأنوار لنورک و الکتب لکتابک و المظاهر لظهورک و المطالع لطلوعک و البحار لبحرک قد ثبت بالبرهان قدرتک و اقتدارک یا مالک الامکان و سلطان الانس و الجانّ لا اله الّا انت القویّ القدیر و بالاجابة جدیر

 و بعد نامهٴ آنجناب رسید فرح بخشید و سرور آورد بهجت عطا نمود و بعد از قرائت و اطّلاع بافق اعلی توجّه نموده تمام آن تلقاء وجه بشرف اصغا فائز قوله تبارک و تعالی فی‌الحقیقه قلم اعلی متحیّر است چه که مشاهده میشود نفوس عالم قابل اصغاء کلمات الهی و مشاهدهٴ انوار وجه صمدانی نبوده و نیستند خلقیکه در قرون و اعصار باوهام تربیت یافته لایق مشاهدهٴ انوار آفتاب یقین نبوده و نخواهند بود الی حین اهل بیان عرف یوم اللّه را نیافته‌اند و از اسرار مستورهٴ در کلمهٴ مبارکهٴ یفعل ما یشآء آگاهی حاصل نکرده‌اند بنمی از این یم فائز نگشته‌اند کورکورانه و بیشعورانه میدوند و میگویند گاهی ذکر تحریف بیان مینمایند و هنگامی ذکر دون آن مفتریاتی ترتیب داده‌اند که شاید انوار آفتاب افق اعلی را بآن ستر نمایند فی‌الحقیقه اخسر احزاب عالم مشاهده میشوند از حقّ میطلبیم حزب خود را در آن اراضی و اطراف از شرّ نفوس خنّاسیّه حفظ فرماید انّه علی کلّشیء قدیر دوستان آن ارض را تکبیر برسان و بعنایات حقّ جلّ جلاله بشارت ده شاید از عرف ذکر رحمن باستقامت و اطمینان فائز گردند انّا نذکرهم و نبشّرهم بعنایة اللّه ربّ العالمین نسأله تعالی ان یمدّهم بجنود الغیب و الشّهادة و یقرّبهم الیه انّه هو السّامع المجیب البهآء المشرق من افق سمآء رحمتی علیک و علی الّذین نصروا امر اللّه ربّ العالمین انتهی

 الحمد للّه نور لائح و عرف ساطع و ظهور مشهود و مکلّم طور ناطق امروز روز فضل و عطاست و یوم عنایت و لقا طوبی از برای نفوسیکه فائز شدند بآنچه در کتاب الهی از قلم اعلی جاری و نازل اولیاء آن ارض الحمد للّه تحت لحاظ عنایت محبوبنا و محبوب من فی الأرض و السّمآء بوده و هستند و هر یک بذکر قلم اعلی فائز از حقّ میطلبم کل را بر این امر اعظم مستقیم فرماید استقامتیکه سبب اقبال و استقامت اهل عالم گردد

 و اینکه در بارهٴ حقوق الهی مرقوم داشتند فی‌الحقیقه بسیار بر آنجناب زحمت وارد شد بعد از عرض در ساحت امنع اقدس فرمودند منافع امورات خیریّه بخود نفوس راجع و در اینمقامات نطق یک کلمه کافیست هر نفسی بکمال روح و ریحان و تسلیم و رضا ادا نمود لدی اللّه مقبول والّا انّه غنیّ عن العالمین طوبی لک یا محمّد قبل علی بما کنت قائماً و ناطقاً و مقبلاً الی اللّه ربّ العالمین طوبی از برای نفوسیکه فائز گشتند بآنچه در کتاب الهی مذکور و مسطور است باید کل به ما اراده اللّه عامل شوند چه که آنچه در کتاب از قلم اعلی نازل سبب و علّت تطهیر و تنزیه و تقدیس و نعمت و برکت بوده و هست طوبی للفائزین ولکن در ذکر حقوق بیک کلمه کفایت نمایند و لوجه اللّه بآنکلمه نطق کنند و بس اصرار لازم نه چه که حقّ دوست نمیدارد بر نفوسیکه بخدمت قائمند تعبی وارد شود انّه هو الغفور الرّحیم و هو الفضّال الکریم انتهی

 نفوسیکه باداء حقوق از قبل و بعد موفّق گشته‌اند و آنجناب ذکر نموده‌اند کل بذکر حقّ جلّ جلاله فائز گشتند هیچ عملی ضایع نشده و نخواهد شد اعمال خیریّه کلّها کنوزند عنداللّه از برای صاحبانش طوبی لعبد عمل و لأمة عملت فی سبیل اللّه ربّنا و ربّ العالمین

 و اینکه در بارهٴ جناب آقا محمّد حسن مع ضلع علیهما بهآء اللّه مرقوم داشتند بعد از عرض فرمودند نعم ما عملت یا محمّد قبل علی و نعم ما عملا فی سبیل اللّه حقوق الهی باید در صورت امکان و روح و ریحان داده شود نفوسیکه استطاعت ندارند بطراز عفو الهی مزیّنند انتهی امثال اینفقرات از قلم اعلی جاری و نازل باید در کلّ احوال باعزاز امر ناظر بود اینفقره اقدم و احبّ است عند اللّه ربّنا و ربّکم و ربّ العرش العظیم للّه الحمد جناب مذکور و امة‌اللّه ضلع و دو ورقه علیهم بهآء اللّه کل بطراز ذکر الهی مزیّن گشتند قد احاطهم الفضل من لدی اللّه العلیّ العظیم مرسلهٴ ایشانهم بطراز قبول فائز گشت هذا فضل آخر انّه هو الفضّال الکریم

 اینکه در بارهٴ جناب ملّا محمّد رفیع علیه بهآء اللّه و عریضهٴ ایشان از قبل مرقوم داشتید در ساحت امنع اقدس اعلی بشرف اصغا فائز و این آیات محکمات از سماء عنایت مخصوص ایشان نازل قوله عزّ بیانه و جلّ برهانه

بسمی السّامع المجیب

یا رفیع علیک بهائی بیقین مبین بدان هر نفسی ظاهراً و باطناً بافق اعلی اقبال نمود و بانوار وجه متوجّه او بذکر حقّ جلّ جلاله فائز بوده و هست مقبلین لازال تحت لحاظ فضل بوده و هستند در اینمقام که مقام صرف فضل است حجبات و سبحات حائل نبوده و نیست یسمع و یجیب و هو السّمیع البصیر طوبی از برای نفوسیکه سبحات و اشارات بشر ایشان را از مالک قدر منع ننمود و محروم نساخت از حقّ جلّ جلاله میطلبیم حزب خود را بطراز استقامت کبری مزیّن فرماید اوست بر هر شیء قادر و توانا انتهی

 و اینکه ذکر جناب محمّد حسن علیه بهآء اللّه و مرسلهٴ ایشان از قبل و جناب محمّد علی علیه بهآء الله و مرسلهٴ ایشان و همچنین جناب آقا محمّد علی ابن خال آنجناب و مرسلهٴ ایشان و جنابان محمّد حسن و حاجی اسمعیل و همچنین ذکر ابناء خالهٴ آنجناب علیهم بهآء اللّه کل در ساحت امنع اقدس اعلی مذکور و بذکر مقصود عالمیان فائز له الحمد و المنّة هر یک از کوثر بیان رحمن آشامیدند و در افق اعلی مذکور گشتند این خادم فانی از حقّ سائل و آمل که ایشانرا مؤیّد فرماید بر اعمالیکه عرفش بدوام ملک و ملکوت باقی و پاینده باشد اوست مشفق و اوست کریم لا اله الّا هو المقتدر القدیر و آنچه از قبل و بعد ارسال شد کل رسید الحمد للّه الّذی وفّقهم و ایّدهم و عرّفهم سبیله الواضح المستقیم

 اینکه مرقوم داشتند اگر اذن باشد بجهات دیگر توجّه نمایند لأجل امورات خیریّه بعد از عرض اینفقره در ساحت اقدس اینکلمهٴ علیا از افق اعلی ظاهر یا محمّد علی حزب اللّه باید کل در اعلاء کلمهٴ الهی جهد نمایند ولکن در جمیع احوال ملاحظهٴ حکمت لازم امّا در بارهٴ حقوق ذکرش یکبار کافیست آنهم عموماً ذکر شود هر نفسی فائز شد باداء آن او به ما نزّل فی الکتاب فائز است از حقّ بطلب عباد را مؤیّد فرماید بر عمل بآنچه سبب خیر دنیا و آخرت است هذا ما حکم به اللّه فی کتابه المحکم المتین یوم یوم اللّه است و اعزاز امر مقدّم انّه یحکم بما ینتفع به النّاس و هو المشفق الفضّال انتهی در اینمقامات از قلم اعلی نازل شد آنچه که هر ذی شمّی عرف عنایت و غنا را استشمام مینماید و نفع آنچه ذکر شد بخود عباد راجع است یشهد بذلک کلّ عامل بصیر

 در خصوص بناء حمّام مرقوم داشتید انشآءاللّه جمیع آن اطراف مؤیّد شوند بآنچه در کتاب الهی نازل

 اینکه در بارهٴ امة‌اللّه ضلع جناب آقا محمّد حسن علیهما بهآء اللّه مرقوم داشتند که خود را حبس خدمت مشرق ‌الأذکار نموده اینمراتب امام وجه عرض شد هذا ما نطق به لسان العظمة قوله تبارک و تعالی انّا نذکر امتی الّتی آمنت باللّه و آیاته و فازت بخدمة بیت بنی باسمه العزیز البدیع انّا نکبّر من هذا المقام علیها و علی اللّائی سمعن النّدآء و اجبن اللّه مالک هذا الأمر العظیم انتهی

 اینکه ذکر امآء اللّه سبعه را نمودند للّه الحمد ذکرشان بشرف اصغا فائز و هر یک بعنایات لایتناهی الهی مزیّن سعیشان مشکور و عملشان مقبول بشّرهنّ من قبل اللّه ربّنا و ربّکم و ربّ العرش العظیم

 اینکه مرقوم داشتند در آخر نامه جناب محمّد صادق خان و جناب آقا میرزا لطفعلی علیهما بهآء اللّه رجای مغفرت نمودند اینمراتب در حضور عرض شد و این آیات باهرات از مطلع عنایات حقّ جلّ جلاله نازل قوله تبارک و تعالی

هو السّامع و هو المجیب

یا صادق قد اقبل الیک وجه القدم من شطر سجنه الأعظم و ذکرک بما یبقی عرفه بدوام الملک و الملکوت و اسمائه الحسنی تمسّک به انّه یؤیّدک علی الاستقامة علی هذا الأمر العظیم قل

 الهی الهی لک الحمد بما ایّدتنی علی الاقبال الی افقک الأعلی و اصغآء ندائک الأحلی الّذی ارتفع بین الأرض و السّمآء و لک الثّنآء یا مقصود الملأ الأعلی و المذکور فی افئدة الأنبیآء بما وفّقتنی علی عرفان مظهر نفسک و مطلع وحیک و مشرق الهامک و مهبط علمک انت الّذی یا الهی اظهرت لعبادک صراطک المستقیم و سبیلک الواضح المبین اسألک یا مالک الوجود و مربّی الغیب و الشّهود ببحر علمک و شمس جودک بأن تؤیّدنی فیکلّ الأحوال علی خدمة امرک ای ربّ تری العاصی سرع الی بحر غفرانک و الفقیر الی مکمن غنائک فاکتب له من قلمک الأعلی ما یطهّره عمّا لا ینبغی له انّک انت الجواد الکریم لا اله الّا انت الغفور الرّحیم

 و هذا ما نزّل لجناب میرزا علیه بهآء اللّه

بسمی المهیمن علی الأسمآء

یا لطفعلی اشکر اللّه بما جری اسمک من قلمه الأعلی قل

 الهی الهی انا عبدک و ابن عبدک و ابن امتک قد اقبلت الیک معرضاً عن دونک و مشتعلاً بنار حبّک و ناطقاً بثنائک و ناظراً الی افقک و متوجّهاً الی وجهک اسألک بنفحات ایّامک و ظهورات قدرتک بأن لا تخیّبنی عمّا عندک ترانی یا الهی قائماً لدی باب عظمتک و سائلاً بدائع جودک و مواهبک ای ربّ لا تمنعنی عمّا قدّرته لأولیائک قدّر لی ما ینفعنی فیکلّ عالم من عوالمک ثمّ اسألک یا مولی العالم و مقصود الأمم بأن تغفر لی و ترحمنی انّک انت التّوّاب الغفور الکریم لا اله الّا انت العزیز العظیم انتهی

 للّه الحمد آیات از سماء فضل نازل و امطار از سحاب رحمت هاطل از حقّ میطلبم کل را فائز فرماید و از نفحات ایّامش محروم ننماید سبحان‌اللّه مع آنکه در هر حین بحری موّاج و در هر یوم آفتاب جود مشرق مع‌ذلک اکثری محجوب و غافل محتجب‌تر از جمیع احزاب اهل بیان معلوم نیست این حزب بچه مقبل بوده‌اند و از چه معرض اینفانی از حقّ سائل و آمل که کل را قسمت عطا فرماید و صدور اهل عالم را از نار کذب و بغضا مطهّر نماید اوست مقتدریکه جمیع ممکنات بر قدرتش گواهی داده و میدهند لا اله الّا هو المقتدر العلیم الحکیم

 اینکه در بارهٴ لوح امنع اقدس نوشته بودند که در آن لوح مبارک امر بعمل ما نزّل فی الفرقان شده اینفقره مخصوص بسجن اعظم بوده چه که اصحاب این ارض بقسمی رفتار نمودند که خارج بر جمیع امور مطّلع شدند و همچنین یکی از اصحاب نظر باختلافی که مابینشان واقع شد در ملأ بعضی حرفها بمیان آمد و سبب ضوضاء خلق گشت لذا حفظاً للنّفوس یک لوح باسم جناب آقا فرج علیه بهآء اللّه از سماء امر الهی نازل و در آن لوح امر بصوم فرقان فرموده‌اند و این حکم مخصوص این ارض نازل ولکن در الواح امر بحکمت شده یعنی اموریکه سبب ضوضای ناس و ابتلای احبّا گردد اگر مستور ماند البتّه اولی و احبّست طوبی از برای نفوسیکه در مشرق الأذکار بذکر مولی الأخیار مشغولند طوبی از برای نفوسیکه بر خدمت آن بیت قائمند و طوبی از برای نفوسیکه سبب عمار آن بیت شده‌اند یدخلون بسلام و اشتیاق و یخرجون بأسف نسأل اللّه تعالی ربّنا و ربّکم بأن یمدّکم بأسباب الغیب و الشّهادة و یقدّر لکم ما یکون باقیاً ببقآء اسمه المهیمن علی الأسمآء لا اله الّا هو الغفور الرّحیم و اگر امر جدیدی از سماء امر آمر حقیقی صادر شود البتّه بآن دیار ارسال میشود انّه هو المخبر العزیز العظیم

 اولیای ارض باء و ش و جذبا و فاران و قاف و فاء و تاء و خاء کل در ساحت امنع اقدس مذکور و بعنایت حقّ فائز قوله تبارک و تعالی

 یا حزب اللّه فی الدّیار اسمعوا ندآء المظلوم انّه یرید ان یقدّسکم عن الظّنون و الأوهام و یطهّرکم بما جری من القلم الأعلی لئلّا یمنعکم اسم من الأسمآء و شیء من الأشیآء عن اللّه الواحد المختار یا حزب اللّه معرضین اهل بیان باموری تمسّک نموده‌اند که لم‌یزل و لایزال عنداللّه مردود بوده اگر نفسی الیوم در کلمهٴ مبارکهٴ یفعل ما یشآء تفکّر نماید خود را از مطالع ظنون و اوهام فارغ و آزاد مشاهده کند هر نفسی از کوثر مکنون اینکلمهٴ مبارکه آشامید او را ضوضاء اهل فرقان و شبهات اهل بیان از مقصود عالمیان منع ننماید امروز هیچ ذکری و هیچ اسمی و هیچ کتابی انسان را کفایت ننماید و بکار نیاید چه که کل معلّق است بقبول حقّ جلّ جلاله اهل بیان بظنونات قبل مشغولند و باوهامات محتجبین ناطق آنچه که سبب غفلت و اضلال است بآن تمسّک نموده‌اند مع آنکه ابداً از امر آگاه نبوده و نیستند باید حزب اللّه بر امر بشأنی ثابت و راسخ باشند که جمیع اهل عالم قادر بر منع نباشند هذا حکم اللّه لو هم یسمعون و هذا امر اللّه لو هم یعرفون کل را تکبیر میرسانیم و بعنایت حقّ بشارت میدهیم البهآء من لدنّا علیهم و علی الّذین فازوا بهذا الأمر العظیم انتهی

 الحمد للّه کل بنفحات آیات فائز گشتند و از بحر عنایت قسمت بردند این خادم فانی از حضرت باقی سائل و آمل که باب رحمت را بر وجوه کل بگشاید تا جمیع از فیض اعظم محروم نمانند اینفانیهم خدمت هر یک سلام و تکبیر عرض مینماید و از برای کل توفیق و تأیید میطلبد تا جمیع بنار کلمهٴ علیا که از قلم اعلی روح من فی ملکوت الأمر و الخلق فدا نازل شده مشتعل شوند و عالم را مشتعل نمایند انّ ربّنا الرّحمن علی کلّشیء قدیر البهآء و الثّنآء و الذّکر علیکم و علی من معکم و علی الّذین سمعوا و اجابوا ربّهم المتکلّم الصّادق المجیب و الحمد له انّه هو الظّاهر الباهر الرّقیب القریب

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۸ نوامبر ۲۰۲۲، ساعت ۱۰:۳۰ قبل از ظهر